

نقد نشانه - معناشناختی اشعار سیمین بهبهانی

شیرزاد طایفی^۱

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

چکیده

نشانه‌شناسی رویکردی است که از زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، نقد ادبی و ... بهره گرفته، برای تحلیل آثار ادبی یکی از روش‌های نو و بسیار مناسب است و کمک بسیاری به خواننده در جهت آشنایی با سبک نویسنده و عمیق‌تر شدن فهم او از متن آثار ادبی می‌کند.

با توجه به این که در نشانه‌شناسی متون ادبی، تفسیر و نظرات شخصی جایی ندارد و این امر به نوبه خود زمینه را برای بررسی روشمند متن فراهم می‌کند، و همچنین به دلیل آن که شعر سیمین بهبهانی از جهات مختلفی، قابلیت بررسی نشانه‌شناسانه را داراست، پژوهش پیش - روش شکل گرفته، و با بهره‌گیری از روش استقرایی - تحلیلی، کوشیده‌ایم به بررسی نشانه‌های خالق اثر، زیبایی‌شناختی، احساسی و اجتماعی در اشعار سیمین بهبهانی بپردازیم. دستاوردهای پژوهش گویای این است که شعر این شاعر، مملو از نشانه‌هاست؛ به خصوص نشانه‌های اجتماعی بسامد بالایی دارد. در میان نشانه‌های احساسی نیز، احساسات غم‌انگیز نمود بیشتری دارد که این امر با نشانه‌های خالق اثر در ارتباط است. شاعر از طریق نشانه‌ها و روابط حاکم میان آنها، معنا را به خواننده منتقل می‌کند. این مقاله می‌تواند راهی به روی پژوهشگران در آشنایی روش‌مند با شعر سیمین بهبهانی بگشاید.

کلید واژه‌ها

سیمین بهبهانی، شعر معاصر، نشانه‌شناسی، نشانه‌های اجتماعی، نظریه ادبی

^۱ sh_tayefi@yahoo.com

نشانه‌های اجتماعی

نشانه‌شناسی یکی از روش‌های نقد متون ادبی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا منتقد بدون تفسیر و دخالت دادن آراء و نظرات خود، به شناسایی سبک و تجزیه و تحلیل متون پردازد. هر چند نشانه‌شناسی را به دلیل ناهمگونی در اهداف و روش‌ها، نمی‌توان یک رشته علمی منسجم تلقی کرد، اما این علم نوین در قرن گذشته به سرعت وارد قلمرو پژوهش معاصر گردیده، و به دانشی کلیدی در برخی از رشته‌ها تبدیل شده است.

«هرچند افکار نشانه‌شناختی قدمتی طولانی دارد و به دوران یونان باستان بر می‌گردد، اما آنچه ما امروز به عنوان نشانه‌شناسی می‌شناسیم، منبعث از دو منبع است: تحقیقات «فردینان دوسوسور»، زبان‌شناس سوئیسی، و نوشته‌های «چالرز سندرز پیرس»، منطق‌دان آمریکایی». (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۷). «غالباً نشانه‌شناسی را با ساخت‌گرایی یکی دانسته‌اند. ساخت‌گرایی ابعاد زیادی دارد اما وجه اشتراک آن با نشانه‌شناسی و شاخص مهم و مشترک آن این است که هر دو مکتب بیشتر به روابطی که اشیاء را به هم پیوند می‌زنند توجه دارند و کمتر به خود اشیاء می‌پردازند.» (یوهانسن و لارسن، ۱۳۸۵: ۴۰)

«نشانه‌شناسی به مفهوم ساختار متکی نیست بلکه بر مفهوم نشانه که حاصل عمل مشترک ساختارهای متفاوت است اتکاء دارد. در نشانه‌شناسی، ساختار، همانند رمزگان، یک مفهوم هسته‌ای محسوب می‌شود اما به لحاظ کلی بودن آن نمی‌توان آن را پایه و بنیاد دانست.» (همان: ۴۱)

نشانه‌شناسی با آراء فردینان دوسوسور به مثابه علمی که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد، طراحی شد. «از نظر او در علم نشانه‌شناسی دال و مدلول «وحدت دوسویه دارند» که این وحدت دوگانه اغلب با وحدت شخص انسان متشکل از بدن و روح مقایسه می‌شود.» (حقیقی، ۱۳۷۴: ۲۷۵)

در بررسی متن شعر، باید به همه عواملی که آن را شکل داده‌اند، توجه کرد. «متن شعری نظامی پیچیده است که در آن هر یک از اجزاء، با هم در ارتباط هستند؛ زیرا هر شعری شامل نظام‌های متعددی، از جمله قافیه، وزن و عناصری واژگانی است و تأثیری که بر خواننده می‌گذارد، ناشی از برخوردها و کشش‌های میان این نظام‌هاست.» (تادیه، ۱۳۷۸: ۲۶۳)

در پژوهش پیش‌رو، در پی شناسایی و تحلیل نشانه‌های شعری سروده‌های سیمین بهبهانی هستیم. «نشانه‌ها بسیارند و تنها شامل نشانه‌های بصری یا زبانی نمی‌شوند، بلکه آدمی در میان انبوهی از نشانه‌ها به سر می‌برد. نشانه‌ها از منظر نشانه‌شناسی می‌توانند به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، اطوار و اشیاء به کار روند.» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۱)

دامنه نشانه‌شناسی در شعر گسترده است؛ حتی وزن و قالب شعری می‌توانند نشانه باشند؛ به عنوان مثال، وزن متقارب نشانه حماسه است؛ پس تجزیه و تحلیل نشانه‌های اشعار سیمین بهبهانی کاری است درازدامن؛ ولی ما در این پژوهش کوشیده‌ایم به بررسی نشانه‌های خالق اثر، نشانه‌های زیبایی‌شناختی، نشانه‌های احساسی و نشانه‌های اجتماعی پردازیم، ضمن نقد و تحلیل آنها، تا حد امکان به سبک شاعر نزدیک بشویم. البته باید افزود که وقتی کسی اشیاء را به عنوان نشانه ادراک می‌کند، نمی‌توان با قاطعیت گفت که همیشه راه درست پیموده، یا توانسته است همه دستاوردها و پیامدهای مرتبط با فرایند نشانه‌شناسی را به درستی درک کنید.

پیشینه پژوهش

در جست‌وجو برای پیشینه تحقیق، به اثری با موضوع حاضر بر نخوردیم؛ اما درباره نشانه‌شناسی متون ادبی مقاله‌هایی نوشته شده است که در آنها به نشانه‌شناسی شعر یا نثر یک نویسنده پرداخته شده است. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱.

نشانه‌شناسی شعر «القبای درد» قیصر امین‌پور، نوشته سهیلا فرهنگی و محمد کاظم یوسف‌پور (۱۳۸۹) که در فصلنامه علمی- پژوهشی کاوش‌نامه چاپ شده، و در آن یکی از سروده‌های قیصر امین‌پور با روشی اصولی نشانه‌شناسی گردیده است؛ ۲. نشانه‌شناسی اولین رمان اجتماعی، نوشته عفت نقابی و کلثوم قربانی جویباری (۱۳۸۹) که در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی چاپ شده، و طی آن به نشانه‌شناسی اجتماعی مثل نشانه هویت و نشانه‌های آداب معاشرت در رمان تهران مخوف پرداخته‌اند؛ ۳. تأویل نشانه‌شناختی ساختارگرای شعر زمستان اخوان ثالث، نوشته علیرضا انوشیروانی (۱۳۸۴) که در مجله پژوهش زبان‌های خارجی چاپ شده و در آن نشانه‌های سرما، احساسی، ترسا، سرخی، تاریکی و چراغ را در شعر زمستان اخوان ثالث مورد ارزیابی قرار گرفته، و نویسنده به این نتیجه رسیده که شاعر با گزینش و وسواس فراوان واژگان را انتخاب کرده است تا بتواند احساس واحدی به خواننده منتقل کند؛ ۴. نشانه‌شناسی کیهانی در شعر و نقاشی سهراب سپهری، نوشته سعید زهره‌وند و مرضیه مسعودی (۱۳۹۲) که در مجله جستارهای ادبی چاپ شده، و در آن اجرام آسمانی مثل خورشید و ماه و آفتاب و ... بررسی شده، و این نتیجه حاصل آمده که نشانه‌های کیهانی در شعر و نقاشی سهراب سپهری به نوعی ارزش ماورایی و ملکوتی آنها را برای او تداعی می‌کنند. مقالات دیگری نیز تدوین شده‌اند که معمولاً به نشانه‌شناسی یکی از اشعار یا متون ادبی پرداخته‌اند.

پرسش‌های پژوهش

الف. آیا نشانه‌شناسی می‌تواند به ما در فهم متون ادبی کمک کند؟

ب. نشانه‌ها چه نقشی در بافت غزل سیمین بهبهانی دارند؟

ب. توجه سیمین بهبهانی بیشتر به چه نشانه‌هایی بوده است؟

نشانه‌شناسی

نشانه، اتحاد دال (دلالت‌کننده) با مدلول (دلالت شده) است. «دال صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول، معنا و مفهومی است که نشانه بر آن دلالت دارد.» (ضیمران، ۱۳۸۲: ۴۰-۴۱). «فردینان دوسوسور معتقد است که نشانه‌شناسی دارای همه وسایل به کار رفته در جامعه انسانی است که هدف آن ایجاد ارتباط است و عبارت زبانی و وسایل غیر زبانی از قبیل حرکات و اشاره‌ها را در بر دارد.» (سوسور، ۱۳۸۳: ۳۶). «نشانه هر چیزی از قبیل زبان، علائم راهنمایی و رانندگی، صدهای مرس، لباس، غذا و ... می‌تواند باشد. افراد یک جامعه که فرهنگ مشترکی دارند، دلالت این نشانه‌ها را در می‌یابند.» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۱۴). «برخی به پیروی از سوسور مفهوم نشانه و رمزگان را به اشکالی از ارتباطات اجتماعی نظیر آیین‌ها، مراسم، آداب معاشرت و غیره گسترش می‌دهند. در نهایت برخی دیگر اعتقاد دارند که هنر و ادبیات اشکالی از ارتباط هستند که بر کاربرد نظام نشانه‌ای استوارند.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۶).

درباره این که آیا نشانه‌شناسی علم است یا روش، بحث‌های زیادی است. «امروزه پدیده نشانه‌شناسی در هنرهای گوناگون، در علوم اجتماعی، مردم‌شناسی، علوم زیستی، حمل‌ونقل و ترافیک و همچنین در ادبیات مطرح شده است، اما به نظر نمی‌رسد که قواعد کار این حوزه‌ها با یکدیگر مطابقت داشته باشد؛ به عبارت دیگر نشانه‌شناسی را باید به عنوان یک "روش" (Method) برای بررسی هر پدیده در نظر بگیریم نه این که آن را علم تلقی کنیم» (کوپال، ۱۳۸۶: ۴۷)؛ بنابراین نشانه‌شناسی بیشتر یک روش علمی است تا یک علم. البته همین که ما قبول داشته باشیم، نشانه‌شناسی یک روش علمی است، کافی است تا از آن در حوزه‌های مختلف، از جمله ادبیات استفاده کنیم. «اگر علم بیان را (که البته مجازاً علم خوانده می‌شود، چون محتویات آن نیز

بیان‌کننده "روش" است) علم رمزگشایی سخن ادبی بدانیم ... در آن صورت بین نشانه‌شناسی و بیان علامت مساوی گذاشته‌ایم.» (همان: ۴۷)

نام این علم برگرفته از واژگان علم پزشکی است که علایم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. مثال بسیار ساده آن این است که تب، نشانه بیماری است. در این مثال، تب همان دال است که بر مدلول (بیماری) دلالت می‌کند، پس نشانه آن است که چیز دیگر را نشان دهد، مانند چراغ قرمز که نشانه توقف است. «معناهای گوناگون هر نشانه را مخاطب در تأویل خود؛ یعنی در ارتباط دادن مدلول به سخن می‌آفریند.» (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳۰).

بر اساس مجموع این تعاریف، روشن می‌شود که نشانه‌ها به صورت کاملاً فعال در زندگی اجتماعی ما حضور دارند. ما حتی بدون تکلم و تنها با استفاده از نشانه‌ها می‌توانیم معنی و مفهوم مورد نظر طرف مقابل خود را درک کنیم، برای مثال، گریه کردن فرد نشانه‌ای برای غم، و اضطراب شخص نشانه‌ای است برای ترس یا شرم.

وجوه نشانه

از نظر پیرس، نشانه‌ها سه دسته‌اند:

الف. «شمایلی و تصویری یا Icon، که بین نشانه و مفهوم آن شباهت ذاتی است، مانند عکس که به عنوان نشانه‌ای از صاحب عکس تلقی می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۱۵). «استعاره (= تشبیه) حرکت از منش سمبلیک به سوی منش شمایی است؛ زیرا بر مبنای شباهت عمل می‌کند.» (همان: ۲۲۴).

ب. نمایه یا Index، که بین نشانه و مدلول آن رابطه طبیعی یا علت و معلولی است، مثل دود که بر وجود آتش دلالت می‌کند. «مجاز منش نمایه‌ای دارد، مثلاً علت و معلولی است: بازو به معنی قدرت.» (همان: ۲۲۵).

ج. «نماد یا Symbol، که رابطه بین نشانه و مدلول آن قراردادی است و معمولاً متکی بر سنن اجتماعی است، مثل چراغ قرمز که نشانه توقف است» (همان: ۲۱۵)؛ «پس می‌توان گفت که متن ادبی از دیدگاه نشانه‌شناسی متنی است که در آن نشانه‌های سمبلیک (قراردادی) هویت شمایی (مبتنی بر شباهت) یا نمایه‌ای (علت و معلولی یا طبیعی) می‌یابند.» (همان: ۲۲۴).

نشانه‌شناسی و ادبیات

اثر زبانی، اثری است که در آن پیام و محتوای مورد نظر نویسنده، از طریق نشانه زبانی و دلالت اختیاری و ثابت لفظ بر معنا به خواننده یا مخاطب منتقل می‌شود. «نشانه‌های زبان پدید آمدن شرایط ویژه‌ای را ممکن می‌سازد تا از راه زبان خودکار به درک زبان ادب برسیم» (صفوی، ۱۳۸۸: ۱۷)، اما وقتی نوشته‌ای ادبی است دیگر این فرایند از بین می‌رود؛ زیرا ادبیات در پی این است که با استفاده از صناعات ادبی مانند نماد، مجاز، استعاره، اغراق و... معناهای نو و تازه بیافریند، بنابراین «در اثر ادبی پیام و محتوای مورد نظر از راه نشانه ادبی و دلالت ناپایدار و غیر ثابت و انگیزخته نشانه زبانی بر معنای ادبی مطلوب به خواننده و مخاطب منتقل می‌شود. در این نوع دلالت، رابطه بین دال و مدلول رابطه‌ای تثبیت شده نیست و سخنگوی زبان می‌تواند در موقعیتی خاص یک دال را به مدلول دیگری غیر از مدلول اولیه‌اش نسبت دهد.» (علوی مقدم، ۱۳۸۶: ۹).

در ادبیات، با دلالت‌های ضمنی سر و کار داریم، بر خلاف علوم که دلالت‌های آن صریح است. «دلالت‌های ضمنی بیشتر بر جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی و تاریخی یک مدلول تکیه دارد. بدیهی است که سن و سال مخاطب، طبقه، جنسیت و پایگاه فرهنگی او در فهم و افاده معنای پدیده‌های هنری نقش انکارناپذیر ایفا می‌کند.» (ضیمران، ۱۳۸۲: ۱۱۹-۱۲۰).

بین نشانه‌شناسی و نظام ایدئولوژیک، رابطه بسیار بامفهومی وجود دارد. با توجه به این که «تمامی کنش‌های ارتباطی با حضور رمزگان معنا می‌یابند که از دید تاریخی و اجتماعی شکل گرفته‌اند، بدین سان نشانه‌شناسی به گستره مناسبات نظام نشانه‌ها و نظام ایدئولوژیک وارد می‌شود.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۶۳). «شعر، ساختاری از دال‌هاست که مدلول‌ها را جذب خود می‌کند و مورد بازسازی قرار می‌دهد. اولویت و تقدم الگوبندی صوری، این امکان را برای شعر پدید می‌آورد تا معنایی را جذب خود کند که واژه‌ها در سایر نمونه‌های گفتمان از آنها برخوردارند و سپس این معناها را به شکل تازه‌ای بازسازی کند.» (کالر، ۱۳۸۸: ۲۹۹). «در متون ادبی نشانه‌ها علاوه بر ایجاد معنی، به تکثیر و اشاعه معنی و دلالت می‌پردازند. فردینان دوسوسور رابطه بین دال و مدلول را در زبان قراردادی می‌داند. این قرارداد در ادبیات به هم می‌خورد و مثلاً دیگر نرگس گل نیست، بلکه ستاره است.» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۲۴)

همان‌گونه که گفتیم، به دلیل گستردگی حوزه نشانه‌شناسی، در پژوهش پیش رو به ناگزیر با محوریت نشانه‌های خالق اثر، نشانه‌های زیبایی‌شناسی، نشانه‌های احساسی و نشانه‌های اجتماعی در اشعار سیمین بهبهانی پیش رفته‌ایم.

نشانه‌شناسی شعر سیمین بهبهانی

نشانه‌های خالق اثر

بدیهی است که شکل زندگی و شخصیت فرد در اثری که می‌آفریند، نقش بسزایی دارد. مکاریک در «دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر» از نشانه‌شناسی خالق اثر سخن گفته، به نقل از موکاروفسکی می‌نویسد: «اثر ادبی به طرق مختلف، خواه به صورت مستقیم و خواه به صورت مجازی بر زندگی شاعر، ساختار شخصیتی او و محیط اجتماعی که او در آن پرورش یافته دلالت دارد.» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۹۳).

شکل زندگی و اوضاع اجتماعی - سیاسی و اتفاقات روزمره از جمله موضوعاتی است که در سروده‌های شاعر بازتاب می‌یابد. اشعار سیمین بهبهانی هم از این دست است؛ به بیانی ساده‌تر می‌توان گفت، شعر او نمایانگر ابعاد شخصیت او و جوه مختلف جامعه‌ای است که او در آن زندگی می‌کرده است. برای نمونه، ابیات زیر نشانه اختلاف پدر و مادر سیمین و در نهایت جدایی آنهاست که شاعر آن را حس کرده است، و این از جمله غم‌هایی است که در دل او وجود دارد و در شعرش بروز یافته - است:

خیرگی‌های مادر و پدرم آن دو را فتنه در سرا افکند

کودکی بودم و مرا ناچار گاه از این، گاه از آن، جدا افکند (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۳۰)

یادکرد ویژگی‌های شخصیتی شاعر و نویسنده و حوادث مهم زندگی او، می‌تواند به خواننده در فهم و استنباط بهتر معنی و مفهوم متن کمک کند. وقتی اشعار سیمین بهبهانی را مطالعه می‌کنیم، روشن می‌شود که او در بسیاری از موارد، اتفاقات روزمره زندگی خود یا اطرافیانش را به شعر در آورده است. «در تحلیل معنایی یا نشانه‌شناختی متن چهار عامل کلی متن، تولید کننده متن، دریافت کننده متن و بافت متن در شکل‌گیری معنای کل متن و خوانشی که از متن حاصل می‌شود، دخالت دارند.» (ساسانی، ۱۳۸۴: ۶۱)

سیمین بهبهانی در تیرماه ۱۳۰۶ در تهران به دنیا آمد. از جمله اتفاقات مهم زندگی او که بر اشعارش نیز تأثیر گذاشته، می‌توان به جدایی پدر و مادرش در سال ۱۳۰۹ و ازدواج او با حسن بهبهانی اشاره کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند پسر بود، اما سرانجام به جدایی انجامید. ازدواج دوباره با منوچهر کوشیار، انتشار هفت کتاب شعر یا مجموعه اشعار و برگزیده شدن به عنوان زن سال از سوی بنیاد جهانی پژوهش‌های زنان در سال ۱۳۷۷ از دیگر حوادث زندگی اوست. اشعار او ناظر بر مطالب و مسائل درخور توجهی در حوزه غزل عاشقانه و اجتماعی است. او با انتشار هفت کتاب، کارنامه قابل قبولی از خود بر جای گذاشته است. سیمین بهبهانی در حوزه شعر زنان و بیان ویژگی‌ها و آمال و آرزوهای آنان نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. به نظر او «شعر مرد، سخن عقل است که به زبان دل می‌آید، شعر زن حرف دل است که لباس عقل می‌پوشد. کاش زن امروز از مرد در شاعری تقلید نمی‌کرد و هرچه دلش می‌خواست می‌سرود.» (بهبهانی، ۱۳۳۰: ۳)

«سیمین بهبهانی از مؤثرترین و مبتکرترین شاعران عرصه غزل معاصر است.» (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۹۶). او جهان معاصر خود را با همه ویژگی‌هایش و با زبانی ساده و امروزی در شعر خویش به تصویر می‌کشد و با مخاطبان خود به سادگی ارتباط برقرار می‌کند. مضامین شعری او، همان مضامینی است که هر روزه به چشم خویش می‌بیند و با آنها زندگی می‌کند. سیمین با ایجاد وزن-های نو، شیوه بیان روایی، ترکیب لحن محاوره و رسمی، شکل نوشتاری نمایش‌نامه‌ای، شکستن شکل مرسوم مصرع‌ها، حضور پدیده‌های زندگی امروزی و... غزل را به سمت و سوی شعر آزاد می‌کشاند.

نشانه‌های زیبایی‌شناختی

بهبهانی شاعری تصویرساز است. «تصویرسازی در شعر نوعی آفرینش هنری است که به وسیله آن شاعر به کلمات و اشیاء رنگی از زندگی می‌بخشد و باری عاطفی بر دوش آنها می‌نهد و به یاری این تصاویر، دنیای تازه‌ای را می‌آفریند.» (زرین کوب، ۱۳۶۷: ۱۹۰). در تحلیل متون ادبی، صناعات ادبی مانند سمبل، استعاره، اغراق، کنایه و... از نشانه‌های زیبایی‌شناختی به شمار می‌روند که سیمین بهبهانی از همه این صناعات بهره برده و توانسته با استفاده از آنها به مدلول خود دلالت ضمنی بدهد. اگر تعریف قدیمی نشانه را؛ یعنی چیزی که چیز دیگر را نشان دهد، به یاد بیاوریم، به خوبی متوجه خواهیم شد که صناعات ادبی، از جمله استعاره و تشبیه و مجاز و... هم کلام را مخیل می‌کنند و هم یک واژه به جای واژه دیگر به کار می‌رود، و در واقع یک چیز به جای چیز دیگر.

در این مجال به چهار صنعت ادبی که از آنها به عنوان نشانه‌های زیبایی‌شناختی یاد می‌شود، اشاره می‌کنیم:

الف. تشبیه: یکی از ابزارهای آفرینش صور خیال، تشبیه است. صفوی تشبیه را این گونه تعریف می‌کند: «انتخاب دو نشانه از روی محور جانشینی، بر حسب تشابه و ترکیب آنها بر روی محور هم‌نشینی.» (صفوی، ۱۳۷۳: ۱۲۶). اشعار سیمین بهبهانی پر است از انواع تشبیهات مختلف. البته بیشتر تشبیهات در اشعار او، نشان دهنده دید تازه نسبت به اشیاء و کشف روابط جدید در آنها است. همان گونه که گفتیم، تشبیهات از نظر پیرس، جزو نشانه‌های وجه شمایی هستند.

چند شاهد مثال برای نشانه زیبایی‌شناختی (تشبیه):

ثنا، چون جامه، تن‌پوش ریاکاری چرا گردد؟

دعا، چون ریشه در خونابه نفرین، چرا باید؟ (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۴۶۸)

رفتند جمله با شب طوفانی چون برگهای خشک

تا مرگلاخ حیرت و حیرانی یاران هم‌نبرد (همان: ۷۹۲)

صبح است و آسمان ابری یکشنبه هفتم بهمن
چون عطر پونه با برگش یادت عزیز من با من (همان: ۹۱۱)

لب منه بر لبم! که همچون مار
نیش در کام خود نهران دارم (همان: ۲۹)
یک عمر به قصد جان، به تن زیست دلت
جز مار نهران به پیرهن، چیست دلت؟
مریخ به تاج بست و تیراژه به بال
زییاست؛ ولی خروس جنگی است دلت! (همان: ۶۷۶)

ب. استعاره:

از دید قدما، استعاره تشبیهی است فشرده که یکی از پایه‌های اصلی آن محذوف باشد؛ بنابراین، دو گونه استعاره خواهیم داشت: ۱. استعاره مصرّحه (با حذف مشبه)؛ ۲. استعاره مکثیه (با حذف مشبه به). اهمیت جایگاه استعاره تا آن جا است که ابن خلدون در تعریف شعر می‌گوید: «شعر کلامی مبتنی است بر استعاره و اوصاف.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۱۵۳). چون استعاره مبتنی بر تشبیه است، پس آن هم در تقسیم‌بندی پیرس، جزو وجه شمایی از وجوه نشانه‌ها قرار می‌گیرد.

نمونه‌هایی برای نشانه‌زیبایی‌شناختی (استعاره):

به یاد چشم تو این نامه را سیاه کنم («نامه» استعاره از عمر است)
فلک امشب مگر ماهی دگر زاد (ماه استعاره از حضرت علی (ع) است)
گر سرو را بلند به گلشن کشیده‌اند
کوتاه پیش قدّ بت من کشیده‌اند (همان: ۱۵۲)
که «بت» در این جا، استعاره از معشوق است.

زنی که با قرص خورشید
شبی در آمد به خوابت
کجاست اکنون که دیگر
نمی‌دمد آفتاب؟ (همان: ۹۲۳)
در این بیت نیز، «آفتاب» استعاره از معشوق است

ب. نماد:

مثال‌هایی برای نشانه‌زیبایی‌شناختی (نماد):

۱. کولی: سیمین بهبهانی در پایان کتاب دشت ارژن، چند شعر با نام «کولی‌واره» سروده که قهرمان این شعرها شخصیت نمادینی با نام کولی است. در واقع کولی، نمادی از نوع زن در طول تاریخ است. او در خطاب به این قهرمان نمادین، مشکلات زنان را در طول تاریخ به زبان شعر پیش چشم خواننده به تصویر می‌کشد:

رفت آن سوار، کولی!

با خود تو را نبرده

شب مانده است و با شب

تاریکی فشرده (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۶۴۳)

کولی در شعر سیمین، «مظهر دربه‌دری‌ها و آوارگی‌های زن ایرانی می‌شود. آشیانه‌ای از خود ندارد، پیوسته در سرگردانی است، خانه به دوش است.» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

تا حصارِ امنِ باغی

کولی از سفر رسیده

کوله‌بار بر گرفته

خسته‌وار آرمیده (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۶۴۷)

خود شاعر می‌گوید: «و آن گاه که می‌خواهم از خود یاد کنم او (کولی) به میان می‌آید. او که مظهر دربه‌دری‌ها و آوارگی‌های همیشگی روح من است.» (بهبهانی، ۱۳۶۲: ۹).

کولی منم، آه اینجا جز من کسی نیست تصویر کولی ست پیدا، رویم در آینه تا هست... (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۶۴۰)

همان‌گونه که گفتیم، کولی نمادی از زن در طول تاریخ است که سیمین دردها و آلام زنان را با نام او یاد می‌کند و شاید کولی خود او باشد، اما هر چه هست، او کولی را دوست دارد و با او درد دل می‌کند، حتی گاهی از او و خوبی‌هایش با اغراق سخن می‌گوید:

با قدم‌های کولی

دشت بیدار می‌شد

با زلال نگاهش

بر که سرشار می‌شد

لب ز هم باز می‌کرد

کهنکشان می‌درخشید

موی بر چهره می‌ریخت

آسمان تازه می‌شد (همان: ۶۴۱)

۲. شب: در اشعار سیمین بهبهانی، شب نمادی از غم است؛ مثلاً:

چه گویم؟ چه گویم ز غم‌ها که دوش

من و آسمان هر دو شب داشتیم (همان: ۱۳۱)

در این بیت، شب نماد و سمبل غم است. هم شاعر و هم آسمان شب، غم داشته‌اند. البته غم آسمان را پایانی هست، اما غم‌های سیمین را پایان و حدی نیست.

در پس آن قلّه‌های نیلفام

شد نهران خورشید با آن دلکشی

شام بهت آلود می آید فرود

همره حزن و سکوت و خامشی (همان: ۱۴۶)

همان گونه که می بینیم، در این بیت نیز، شاعر شب را همراه با حزن و سکوت که نشانه‌ای برای غم است، می داند، که با نهمان شدن خورشید، شب غم و حزن آغاز می گردد.

شب، ای شب! از سیاهی تو - آوخ -

من رنگ بازم و تو نمی بازی (همان: ۸۷)

در این بیت هم، شب نماد و سمبل غم است؛ چرا که شب با صفت سیاهی همراه شده، و سیاهی در میان ما نشانه غم و مصیبت است. در این بیت، شاعر با جان بخشی به شب، از دست آن که یادآور همان غم‌های فراوان وجود اوست، ناله می کند.

در مجموع اشعار سیمین بهبهانی با شکل و قالب غزل و محتوای عاشقانه و اجتماعی، عرصه ظهور صناعات ادبی و نشانه‌های زیبایی شناختی زیادی چون تشبیه، استعاره، کنایه، نماد، اغراق و است و شاعر با بهره گیری از این صناعات توانسته است، به مدلول خود دلالت ضمنی دهد. برآورد اولیه آماری ما نشان می دهد که کاربرد انواع تشبیه در شعر سیمین بهبهانی بیش از دیگر صناعات ادبی است، که با توجه به آنچه پیش از این گفتیم و به وجوه نشانه از نظر پیرس اشاره کردیم، تشبیه در حیطه وجه شمایی قرار دارد. البته سایر وجوه نشانه، مانند نمایه و نماد نیز در اشعار سیمین بهبهانی حضور پر بسامدی دارند. زبان شعر سیمین بهبهانی، ساده، اما مملو از صناعات ادبی است.

نشانه‌های احساسی

نشانه‌های احساسی فراوانی در اشعار سیمین بهبهانی به چشم می خورد که می توان آنها را در سه گروه جای داده، به شکل زیر طبقه بندی کرد:

الف. نشانه‌ای برای احساس غم:

ای شرمگین نگاه غم آلود (همان: ۵۳)

چشم غمگین پر آب (همان: ۶۴)

نگاه غمین درد آمیز (همان: ۸۰)

دیده او پر خمار و مست و تب آلود

مستی او رنگ درد و تلخی غم داشت (همان: ۵۷)

این منم ای غمگساران این منم

این شرار سرد خاکستر شده؟ (همان: ۱۲۱)

آلام و غم‌های موجود در شعر سیمین بهبهانی کم شمار نیستند، این امر ناشی از اتفاقات زندگی او، مانند جدایی پدر و مادر، مرگ دوستان، جدایی از همسر، مشکلات زنان، گرفتاری‌های مردم بدبخت در جامعه و ... است که هر بار فکر به آنها باعث تراوش شعری نو با زبانی گرم و صمیمی می شود. او با به کارگیری نشانه‌های احساسی و تلفیق آن با نشانه‌های زیبایی شناختی سعی دارد دلالت ضمنی به مدلول خود بدهد. برای مثال، در ابیات زیر دیده بیدار داشتن و شب نخوابیدن، نشانه غم داشتن است. همچنین خود شب، نمادی از غم است و شاعر با جان بخشی به اندوه، آن را موجودی وحشی تصور کرده که به دل او چنگ می اندازد، و در پایان از شدت غم، بیماری متولد می شود، نه بیماری جسم، غم باعث بیماری جان و روح او می شود:

شب گذشت و سحر فراز آمد

دیدۀ من هنوز بیدار است

در دلم چنگ می زند اندوه

جانم از فرط رنج، بیمار است (همان: ۱۲۹)

ب. نشانه‌ای برای احساس شادی:

دست به هم کوفتند و جامه دریدند (همان: ۵۷)

بر لب یار شوخ دلبندم

خفته لبخند گرم زیبایی (همان: ۱۳۳)

خنده‌های دلنشین (همان: ۳۰۰)

در مجموع، احساسات شاد در شعر سیمین بهبهانی بسیار کم است، این امر با نشانه‌های خالق اثر ارتباط مستقیم دارد؛ یعنی ریشه در رنج‌های زندگی شخصی و نگاه واقع‌گرایانه به تلخی‌های اجتماع و حوادث روزمره دوران زندگی شاعر دارد.

پ. نشانه‌ای برای احساس ناامیدی و یأس:

شب بی‌اختر (همان: ۱۷۹)

برگ پژمرده از باد سردیم (همان: ۶۵)

قطره‌های اول باران یأس

روی رخسار پر از گردی چکیده (همان: ۲۵۹)

ناله‌ام مرد در ناتوانی

از تن ناتوانم چه خواهی؟ (همان: ۱۱۰)

کسی را لذت شادی عیان نیست (همان: ۱۱۷)

در سیاهی شب نومیدان

یک چراغ ساده نمی‌بینم

ماه ایستاده به بامی نه،

شمع اوفتاده نمی‌بینم (همان: ۱۱۰۶)

به نظر می‌رسد، بیشتر احساسات و نشانه‌های احساسی در شعر سیمین بهبهانی، از نوع نشانه‌های غم و یأس است؛ یعنی نوعی اندوه و ناامیدی در شعر او نمایان است. واقعیت این است که شعر سیمین بهبهانی از همان آغاز شاعری «صبغ‌ای واقع‌گرایانه داشت و شاعر به واقعیات تلخ و غم‌انگیز و حتی نفرت‌آور اجتماع توجه نشان می‌داد.» (حسین‌پور چافی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)، حتی اندک احساسات شادی هم که در شعر او مشاهده می‌شود، مربوط به خود او نیست، بلکه توصیف حالات دیگران است. با توجه به غم و اندوه فراوان در زندگی سیمین بهبهانی، وجود این احساسات همراه با غم و یأس تا حدی طبیعی است؛ زیرا او یا از بی‌وفایی می‌نالده، یا از نبود دست محبت پدر و مادر، یا از غم مردم مسکین و تهی‌دست و بیچاره. به هر حال، غالب احساسات او، انده‌بار است.

نشانه‌های اجتماعی

نشانه‌های اجتماعی، در واقع همان «رمزگان‌هایی هستند که به شخص توانایی شناخت محیط اطراف و اطرافیان را می‌دهد. از این طریق شخص می‌داند با چه کسی رابطه دارد و هویت گروه‌ها و اشخاص را باز می‌شناسد.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۷۷). سیمین

بهبهانی یکی از اجتماعی‌ترین شاعران روزگار ماست. او معتقد است که «یک شاعر به طور کلی یک هنرمند به منزله آینه‌ای است که اوضاع و احوال اجتماع، چون اشعه گوناگون به آن اصابت می‌کند و مجدداً اشعه و انوار، انعکاس خود را به محیط پیرامون خود باز می‌گرداند.» (طبری، ۱۳۴۹: ۷۴).

با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه سیمین بهبهانی که مقارن با دوره رضاخان و وجود محرومیت‌های فراوان است، «بسیار طبیعی است که شاعر مفهوم‌گرایی چون [او] شعرش را آینه‌ای برای انعکاس مشکلات و معضلات مردمی قرار دهد که پیرامونش زندگی می‌کنند. او نمی‌تواند بی‌تفاوت و بی‌اعتنا از چنین مسایلی بگذرد و شعرش را به شعور اجتماعی تبدیل نکند» (حسن‌لی و حیدری، ۱۳۸۵: ۸۹)؛ همان‌گونه که از مطالعه اشعار او بر می‌آید که با مشکلات مردم آشنا است و مخاطب اصلی او طبقات محروم جامعه است. برای نمونه، می‌توان به قطعات زندگی‌کارمندی، خودفروشی، مهاجرت از روستا به شهر، ولگردی، طلاق، جیب‌بری و... اشاره کرد که نشان‌دهنده فقر و فلاکت مردم و توجه شاعر به این مسائل است.

از جمله نشانه‌های اجتماعی، نشانه هویت است که شامل آرم‌ها، پرچم‌ها، توت‌ها، لباس‌ها، مدال‌ها، آرایش‌ها، نام‌ها، القاب، شغل‌ها و مکان‌ها می‌شود. در این‌جا، به بررسی نشانه‌های آرایشی، نشانه‌های مکان‌ها، شغل‌ها و القاب در اشعار سیمین بهبهانی می‌پردازیم:

الف. آرایش‌ها

به طور کلی، شاعر از نشانه‌های آرایشی استفاده کرده، اما بسامد عطر بیش از سایر نشانه‌هاست. باید توجه داشت که شعر سیمین، شعر امروز است و عطر از خوشبوکننده‌های مورد استفاده همگان، به همین دلیل شاید بیشتر مورد استفاده شاعر قرار گرفته است. شاعر به سرمه هم علاقه نشان داده، چشم سرمه کشیده را چشم زیبا می‌داند.

جدول (۱): نشانه‌های آرایشی در اشعار سیمین بهبهانی

نشانه آرایشی	بسامد
عطر	۳۳
سرمه	۵
حنا	۳
سرخاب	۲
روغن	۱
غازه	۱

ب. پوشاک

مجموعه لباس‌هایی که در اشعار سیمین بهبهانی مورد استفاده قرار گرفته، عبارتند از: جامه، تور، کلاه، کفن، دامن، جوراب، بالاپوش، چادر، کفش، پیرهن، مقنعه، ردا، قبا. در شعر این شاعر، گاهی رنگ لباس‌ها، نشانه پیام خاصی است:

عزای اینان و سور ما

نشانه می‌خواست، زین سبب

مرا به بر تور صورتی

تورا به تن مخمل سیاه (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۸۶۶)

که رنگ لباس صورتی، نشانه شادی و رنگ لباس سیاه، نشانه غم است. گاهی نوع لباس، نشانه پیام خاصی است؛ مثلاً لباس توری که نشانه عریانی است، و چادر که نشانه‌ای برای حجاب است:

بده آن تور که عریانی را

در خمش جلوه دو چندان بخشم (همان: ۲۱)

چادر به سر نپوشیده

رخ با حجاب نسپرد (همان: ۸۷۰)

از جمله نشانه‌های اجتماعی که با توجه به فرهنگ اسلامی، کارکرد خاصی دارد، چادر یا بالاپوشی بلندی است بیشتر به رنگ سیاه که زنان بر سر می‌کنند؛ چنان‌که همه اجزای بدن آنها را می‌پوشاند، مگر صورت. سیمین بهبهانی به خوبی توانسته از این واژه استفاده کند، به گونه‌ای که آن را با توجه به روابط همنشینی برای پنج مدلول مختلف (حجاب، مصیبت، سیاهی، فقر و زیبایی) به کار گرفته است، برای مثال، چادر در نشانه زیبایی:

سروها و کاج‌های سبزگون

ایستاده در شعاع سرخ‌رنگ

سبزپوشان کرده بر سر گویا

پرنیانی چادر سرخ‌قشنگ (همان: ۱۴۷)

امشب از هر شب جهان زیباتر است

چادر الماس‌دوزش محشر است (همان: ۱۴۱)

بیشترین نوع لباس‌های بازتاب یافته در شعر سیمین بهبهانی، لباس‌های زنانه است و بیشترین واژه‌ای که در معنای لباس به کار رفته، جامه است که واژه‌ای مشترک برای لباس زنانه یا مردانه است.

ج. شغل‌ها

در اشعار سیمین بهبهانی، از شغل‌های مختلفی یاد شده است: مطرب، دهقان، رئیس، کارمند، گوهر فروش، پزشک، معلم، شاگرد، استاد، مرده‌شو، قاری، طیب، گور کن.

شغل‌های موجود در شعر سیمین، برای ما آشناست و او از همان شغل‌هایی می‌گوید که در جامعه وجود دارد، برای مثال، او به رئیس و کارمند اشاره می‌کند و رئیس را فردی بی‌لیاقت و خودرأی می‌داند و کارمند را فردی چاپلوس که به دلیل کسب نان برای خانواده، ناگزیر از تن دادن به پستی و فرومایگی است:

رئیس است او، کارمند وی‌ام من

غلط رفت! من بنده پست اویم

که غیر از خطایش، صوابی نیستم

که غیر از رضایش، رضایی نجویم! (همان: ۷۵)

د. لقب‌ها

۱. القاب زنانه: دختر رقا، دختر طناز، دوشیزه، بیوه، مطلقه، کنیزک مطبخ‌زاد، زن عامی، کولی، خاتون، مادر، دختر، بانو،

دایه، زن زرخرید، زن اشراف، همسر، دخترترنج، هوو.

به خوبی هویدا است که بخش قابل توجهی از اشعار سیمین بهبهانی، درباره زن و مشکلات و آلام و آرزوهای اوست. سیمین بهبهانی از این القاب استفاده کرده تا مشکلات زنان را بیان کند، برای نمونه، به زن عامی هشدار می‌دهد که زندگی زن اشراف آن قدرها هم با خوشحالی، رضایت، صفا و خوبی همراه نیست. در واقع، زن عامی، نسبت به درون زندگی زن اشراف آگاهی ندارد و فقط ظاهر آن را می‌بیند و سیمین به دنبال آگاه کردن زن است و به این منظور از القاب گوناگون استفاده کرده است. او از زبان زن اشراف می‌گوید:

مرا خواهد اگر همبستر من

دمادم با تجمل آشناتر

مپندار ای - زن عامی - مپندار

مرا از مرکب او پربهاتر (همان: ۹۱)

با نگاهی به القاب موجود در شعر سیمین بهبهانی، متوجه می‌شویم که بیشتر القاب ساخته شده او، متوجه نوع خاصی از زنان است؛ به عبارتی، همه آنچه یک زن می‌تواند باشد، چه خوب و چه بد، در شعر سیمین بهبهانی حضور دارد. او در «نغمه روسپی»، «رقاصه»، «زن در زندان طلا»، «در بستر بیماری» و بسیاری از قطعات دیگر، به توصیف دنیای پردرد زنان می‌پردازد. البته بیشتر القابی که شاعر برای زن مورد استفاده قرار می‌دهد، نشانگر نوع خاصی از مشکلات زن است، برای مثال در ابیات زیر مشکل چندهمسری یا هوو داشتن را که در آن زمان بسیار رایج بود، مطرح کرده، زندگی با هوو را سخت و طاقت‌فرسا می‌داند. او مدافع زن اول است، و از زبان او می‌گوید:

زیر سقف کلبه‌ای تاریک و تنگ

زیستن نزدیک دشمن مشکل است

طفل من بیمار بود، اما پدر

نقل و شیرینی پی این زن خرید!

من به سختی ساختم، تا بهر او

دستبند و جامه و دامن خرید! (همان: ۲۵۶)

۵. دیگر لقب‌ها: شیخ، دوره گرد، خونین شهر، پارسای شهر، مجاهد، جنازه، سرباز، قدیس، ستمگر، رنجبر، ظلم.

این القاب هر کدام نشانه خاصی هستند که شاعر با بهره‌گیری از آنها، به صورت کنایی پیام‌رسانی می‌کند، مثلاً واژه شهید، نشانه کسی است که در دفاع از وطن جان خود از دست داده باشد که البته در فرهنگ اسلامی، چنین کسی افتخار آفرین است و لایق بهترین ستایش‌ها و سپاس‌ها. در شعر سیمین نیز، چنین کسی مورد ستایش واقع شده است. او جنگ را دوست ندارد، اما مجاهد را می‌ستاید؛ چرا که مدافع وطن است و در نظر او باید در مقابل ستمگر ایستاد، بنابراین مجاهد که این کار را انجام می‌دهد، بسیار گرامی است.

«نصر من اللّٰه»

بی او میسر نیست

او معنی «فضل» است

آری «مجاهد» را (همان: ۵۹۳)

او حتی در برابر ستمگری بیدادگران جهانی در صبرا و شتیلا واکنش نشان داده، چنین می‌سراید:

سارا! بگوی با موسا:

سودای دین دگر کن

کز ننگ خود، جهانخواری

داغی نهاده بر دینت! (همان: ۷۲۸)

وطن کلمه‌ای است که در پوست و گوشت و استخوان سیمین رخنه کرده، با تمام وجود به میهن خویش عشق می‌ورزد.

علاقه او را به وطن، می‌توان در ابیات مشهور زیر شاهد بود:

دوباره می‌سازمت، وطن!

اگر چه با خشت جان خویش

ستون به سقف تو می‌زنم

اگر چه با استخوان خویش (همان: ۷۱۱)

به کارگیری این گونه القاب که می‌توان آنها را محصول حوادث سیاسی زمان سیمین دانست، نشان از علاقه و عشق شاعر

نسبت به میهن است. در واقع، این القاب نشان می‌دهد که او شاعری متعهد است و به راحتی از کنار مشکلات جامعه و میهن

نمی‌گذرد، و همراه شادی جامعه شاد می‌شود:

«حمید آزاد شد

هویزه آزاد شد...»

نوشته‌ها جان گرفت

خطوط فریاد شد (همان: ۷۱۳)

نتیجه‌گیری

نشانه‌شناسی از جمله روش‌ها و راهکارهای کارآمد نقد و تحلیل متون ادبی و سبک آنهاست. نشانه‌ها بسیارند، اما افراد یک جامعه که فرهنگ مشترکی دارند، دلالت این نشانه‌ها را در می‌یابند. با توجه به این که در ادبیات، بویژه شعر از صناعات ادبی در آفرینش معانی تازه استفاده می‌شود و شاعر در پی بیان نکات نغز بدیع است، رابطه بین دال و مدلول رابطه‌ای تثبیت شده نیست، ضمن این که بیشتر دلالت‌ها از نوع دلالت‌های ضمنی است.

در شعر سیمین بهمانی، با انبوهی از نشانه‌ها مواجه هستیم که در این پژوهش تأکید ما بر روی نشانه‌های خالق اثر، زیبایی-شناختی، احساسی و اجتماعی بوده است و دلیل این امر نیز، بسامد بالا و تأثیر چشمگیر این نشانه‌ها در شعر سیمین بهمانی است. چون بیشتر اشعار سیمین در قالب غزل سروده شده و خود غزل در حوزه ادبیات غنایی است، از بیشتر صناعات ادبی، از جمله نماد، اغراق، کنایه، تشبیه، استعاره و... بهره بسیاری برده است، بنابراین شعر او سرشار از نشانه‌های زیبایی‌شناختی است. البته استفاده از تشبیه در شعر او، بیش از سایر موارد است؛ به گونه‌ای که می‌توان برای تمام انواع تشبیه شواهدی یافت. ضمن این که

باید توجه داشت، شاعر سعی کرده همواره تشبیهاتی بکر و تازه بیافریند، مانند: «چون عطر پونه با برگش یادت عزیز من با من» (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۹۱۱)

بیشتر احساسات و نشانه‌های احساسی شعر سیمین بهبهانی، از نوع نشانه‌های اندوه و یأس هستند و این مسأله برآمده از زندگی واقعی وی است؛ هرچند بیشتر واقعیات تلخ و غم‌ها و آلام و حتی واقعیات نفرت‌آور را دیده است؛ به زبان ساده‌تر، بسامد حضور نشانه‌های اندوه و غم در شعر سیمین چنان بالاست که حتی اندک احساسات شادی نیز که در شعر او مشاهده می‌شود، مربوط به خود او نیست، بلکه توصیف حالات دیگران است. میزان زیادی از این اندوه و یأس را باید در ارتباط با نشانه‌های خالق اثر تفسیر کرد؛ زیرا همان‌گونه که گفتیم، با وجود حوادث تلخ زندگی شخصی سیمین، از قبیل جدایی پدر و مادر و ازدواج ناموفق خود او و نیز اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر او که همزمان با حکومت رضاخان و توأم با محرومیت‌های فراوان بود، بسیار طبیعی می‌نماید که شعر او آینه‌ای برای انعکاس مشکلات، گرفتاری‌ها، غم‌ها و دردهای محیط اطراف او باشد. مسأله دیگری که به عمق این غم‌ها می‌افزاید، وجود مشکلات و محدودیت‌های زیاد و طاقت‌فرسا در زمانه شاعر برای زنان است. حال اگر بی‌سوادی و ناآگاهی زنان جامعه را نیز به این مسأله اضافه کنیم، وسعت دامنه دردمندی شاعر بیش از پیش روشن می‌شود.

نشانه‌های اجتماعی نیز در شعر سیمین بهبهانی، نمود بارزی دارد؛ چنان‌که برای اثبات این امر، نگاهی به بسامد بالای انواع آرایش‌ها، القاب، شغل‌ها و لباس‌ها در شعر شاعر، کفایت می‌کند. شعر او، سخن با مردم جامعه است و برای برقراری ارتباط با این مردم، از نشانه‌های اجتماعی بهره می‌برد، مثلاً با نگاهی گذرا به شغل‌های بازتاب یافته در اشعار او، معلوم می‌شود که شاعر از همان شغل‌هایی یاد کرده که در زندگی عصر ما وجود دارد. البته باید با تأکید یادآور شد که نگاه سیمین بهبهانی، نگاهی نو به غزل است و در واقع او از واژه‌های نو در قالب دیرین غزل سود برده است. نشانه‌های آرایشی موجود در شعر او، همان وسایل آرایش جدید است، بخصوص این که در میان این نشانه‌ها، عطر، دارای بیشترین بسامد است. بین نشانه‌های اجتماعی و خالق اثر هم ارتباط زیادی دیده می‌شود، چنین است که بیشتر لباس‌ها، زنانه است، یا بیشتر القاب مربوط به زنان است.

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۸۳)، **ساختار و تاویل متن**، تهران: مرکز.
۲. (۱۳۷۸)، **از نشانه‌های تصویری تا متن**، چ. چهارم، تهران: مرکز.
۳. ایگلتون، تری (۱۳۸۰)، **پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی**، ترجمه عباس مخبر، چ. دوم، تهران: مرکز.
۴. بهبهانی، سیمین (۱۳۸۱)، **مجموعه اشعار**، چ. پنجم، تهران: نگاه.
۵. (۱۳۳۰)، **سه تار شکسته**، تهران: علمی.
۶. (۱۳۶۲)، **خطی ز سرعت و آتش**، چ. دوم، تهران: زوآر.
۷. تادیه، ژان ایو (۱۳۷۸) **نقد ادبی در قرن بیستم**، ترجمه مهشید نونهالی، تهران: نیلوفر.
۸. حسن‌لی، کاوس؛ مریم حیدری (۱۳۸۵)، «بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین بهبهانی»، **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، دوره بیست‌وپنج، ش. ۳، صص. ۸۹-۱۰۵.
۹. حسین‌پور چافی، علی (۱۳۸۴)، **جریان‌های شعر معاصر فارسی**، تهران: امیرکبیر.

۱۰. حقیقی، مانی (۱۳۸۴)، **سرگشتگی نشانه‌ها**، تهران: مرکز.
۱۱. چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، **مبانی نشانه‌شناسی**، ج. سوم، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
۱۲. دهباشی، علی (۱۳۸۳)، **زنی با دامنی شعر**، تهران: نگاه.
۱۳. دینه سن، آنه ماری (۱۳۸۰)، **در آمدی بر نشانه‌شناسی**، ترجمه مظفر قهرمان، آبادان: پرسش.
۱۴. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۱)، **ادبیات معاصر ایران**، تهران: روزگار.
۱۵. زرین کوب، حمید (۱۳۶۷)، **مجموعه مقالات**، تهران: علمی و معین.
۱۶. ساسانی، فرهاد (۱۳۸۴)، «تحلیل ساختار مبتدای خبری و ساختار آگاهی در متن فیلمیک» **مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر**، تهران: فرهنگستان هنر، صص. ۶۱-۷۴.
۱۷. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۰)، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: آگاه.
۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۸۵)، **نقد ادبی**، ج. دوم، تهران: میترا.
۱۹. صفوی، کورش (۱۳۷۳)، **از زبان‌شناسی به ادبیات**، تهران: چشمه.
۲۰. _____ (۱۳۸۸)، «عملکرد نشانه زبان در آفرینش متن ادبی»، **فصلنامه زبان و ادب پارسی**، ش ۴۱، صص. ۱۷-۲۹.
۲۱. ضیمران، محمد (۱۳۸۲)، **درآمدی بر نشانه‌شناسی**، تهران: قصه.
۲۲. طبری، احسان (۱۳۴۹)، **نخستین کنگره شعر در ایران**، تهران: فرهنگ و هنر.
۲۳. علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۸۶)، «فرایند دلالت نشانه بر معنا در فهم ادبی» **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان**، ش. ۲۲، صص. ۹-۲۸.
۲۴. کالر، جاناتان (۱۳۸۸)، **بوطیقای ساختگرا**، ترجمه کورش صفوی، تهران: مینوی خرد.
۲۵. کویال، عطاءالله (۱۳۸۶)، «فراز و فرود نشانه‌شناسی از دانش تاروش» **مجله باغ نظر**، ش ۷، صص. ۳۹-۴۸.
۲۶. گیرو، پی‌یر (۱۳۸۰)، **نشانه‌شناسی**، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگه.
۲۷. مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴)، **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
۲۸. یوهانسن، یورگن دینس و سون اریک لارسن (۱۳۸۵)، **نشانه‌شناسی چیست؟**، ترجمه سیدعلی میرعمادی، تهران: ورجاوند.